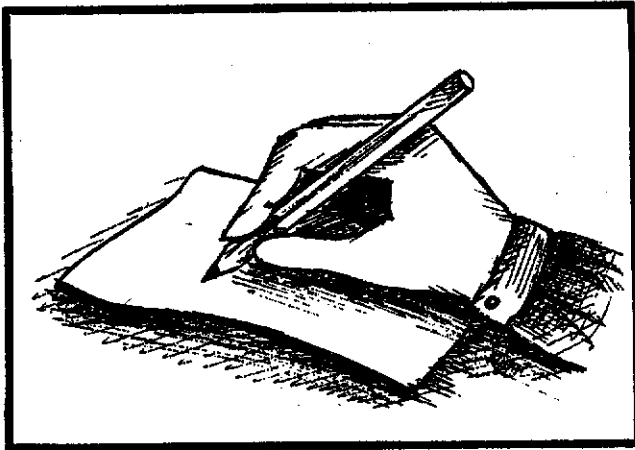


استعلامات قضائی

و نظریات

مشورتی اداره حقوقی



شماره نظریه ۷/۷۹۰ ۱۳۷۸/۲/۲

سؤال: در خصوص پرونده‌ای که متهم آن به موجب رأی قطعیت یافته به مجازاتی محکوم شده است که در صورت اجرا دارای مفسده است (از قبیل حبس، شلاق، قصاص) اگر پرونده از سوی دیوان عالی کشور جهت اعاده دادرسی از اجرای احکام مطالبه و پس از ارسال پرونده به دیوان عالی کشور محکوم علیه جلب و معرفی شود. تکلیف قاضی اجرای احکام چیست؟

جواب: اولاً- طبق ماده ۴۸۲ قانون آئین دادرسی کیفری، احکام جزائی همین که قابل اجرا شد، فوراً باید به موقع اجرا گذاشته شود در این قبیل موارد، مطالبه پرونده از اجرای احکام، مجوز تعویق اجرای حکم نیست و لذا در صورت ضرورت ارسال آن، باید بدل پرونده تشکیل شود تا اجرای حکم به تأخیر نیفتد. ثانیاً- مواردی که احکام قابل اجراء، فوراً به موقع به اجراء گذاشته نمی‌شود، در بندهای ذیل ماده ۴۸۴ (اصلاحی ۱۳۳۷) قانون آئین دادرسی تصریح و توقف اجرای حکم، در صورتی که تقاضای تجدیدنظر ظرف مهلت مقرر داده شده و بر اجرای حکم در امور کیفری فساد مترتب

باشد، تا اتخاذ تصمیم مرجع تجدیدنظر، در ماده ۳۰ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ تجویز و توقف اجرای حکم کیفری از زمان تجویز اعاده دادرسی (تاریخ قرار قبولی اعاده محاکمه) در ماده ۴۶۹ قانون آئین دادرسی کیفری تصریح شده است. نظریه اینکه حکمت تشریح ماده ۳۰ قانون مزبور، احتمال ترتب فساد و بیم عدم امکان تدارک آن در صورت اجرای حکم است، به طور کلی می‌توان گفت در مواردی که به طرق قانونی نسبت به احکام قطعی کیفری تقاضای تجدیدنظر یا اعاده دادرسی، در صورت اخیر پرونده نیز مطالبه شده، اعم از اینکه مورد تقاضا، مشمول مواد ۲۹، ۱۹، ۱۸ یا ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و یا مقررات اعاده دادرسی کیفری شده باشد، و در صورت اجرای حکم، احتمال ترتب فساد به لحاظ عدم امکان تدارک آن وجود داشته باشد، قاضی مربوط می‌تواند اجرای حکم را متوقف کند، اضافه می‌شود که در مورد استعلام چون نوع محکومیت و میزان آن معلوم نیست و محکوم علیه با قید وثیقه آزاد است، چنانچه جلب شده باشد

باید تا اعاده پرونده و مشخص شدن وضع محکومیت وی، آزاد شود.

شماره نظریه ۷/۷۷۰۷ ۱۳۷۷/۱۲/۱۸

سؤال: آیا متهم حق دارد که از واخواهی خود صرف نظر کند و تقاضای تجدیدنظر نسبت به حکم دادگاه بنماید؟

جواب: در مورد احکام غیابی محکوم علیه می‌تواند از درخواست واخواهی صرف نظر و تقاضای تجدیدنظر نماید و مانعی جهت استفاده از این حق وجود ندارد.

شماره نظریه ۷/۳۱۶۴ ۱۳۷۸/۵/۵

سؤال: چنانچه شخصی به اتهام صدور چک بلامحل که مبلغ آن بیش از بیست میلیون ریال است تحت تعقیب کیفری واقع شود و متهم یکی از کارآموزان وکالت را به عنوان وکیل انتخاب و به دادگاه معرفی نماید و بعد شاکی خصوصی دعوی ضرر و زیان تقدیم کند. باتوجه به قسمت اخیر ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۷۶ آیا کارآموز وکالت یادشده می‌تواند به وکالت خود در پرونده موصوف ادامه دهد یا خیر؟

جواب: چون خواسته در دعوی مطالبه وجه چک (دعوی ضرر و زیان) بیش از

بیست میلیون ریال است لذا همان‌گونه که در استعلام آمده، مورد از لحاظ تجدیدنظرخواهی در صلاحیت دیوان عالی کشور است (رای وحدت رویه شماره ۶۰۶-۱۳۷۵/۳/۱) و چون کارآموزان شغل وکالت برطبق تبصره ۳ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب سال ۱۳۷۶ از وکالت در دعاوی که تجدیدنظر آن با دیوان عالی کشور است ممنوع شده‌اند لذا به محض طرح دعوی ضرر و زیان در پرونده به تبع امر کیفری، وکالت کارآموز موضوع استعلام منتفی خواهد شد.

شماره نظریه ۷/۶۲۲۹۹/۶/۲۵ ۱۳۷۱/۶/۲۵
سؤال: معاملات که توسط مخبرین ستاد مواد مخدر با اشخاص متهم به خرید و فروش مواد مخدر صورت می‌گیرد و جهت کشف مواد مخدر است نه جهت ایجاد معامله توسط مأمورین، جرم واقع شده است یا خیر؟

جواب: قصد مأمورین در مورد سؤال شناسائی و دستگیری افرادی بوده که در معاملات مواد مخدر فعالیت دارند نه انجام معامله یا تبانی برای وقوع بزه بنابراین در مانحن فیه بزه‌ی متوجه مأمورین نیست.

شماره نظریه ۷/۹۴۳۳/۱۲/۱۲ ۱۳۷۷/۱۲/۱۲
سؤال: آیا اجرای صیغه طلاق شرعی توسط روحانیون بدون حکم محکمه و جاهت قانونی دارد یا خیر؟ اساساً طلاق به کیفیت مطروحه آثار تبعی دارد یا خیر؟

جواب: طلاق یا باید به وسیله زوج با رعایت شرائط قانونی و شرعی انجام شود و یا در موارد خاصی از قبیل عسر و حرج و غائب مفقودالثر به وسیله حکم، و حاکم کسی است که توسط ریاست محترم قوه

قضائیه به این منظور تعیین و منصوب شده باشد. کسانی که بدین طریق به سمت حاکم تعیین نشده‌اند و در واقع مستقیماً یا غیرمستقیم منصوب ولی فقیه نیستند حاکم محسوب نمی‌شوند و اگر برخلاف موازین قانونی زن کسی را طلاق دهند، طلاق به وسیله حاکم نبوده و قانونی نخواهد بود.

شماره نظریه ۷/۶۰۰ ۱۳۷۸/۱/۲۸
سؤال: برای وصول قیمت دیه از محکوم علیه چه تاریخی را مبنای وصول قیمت دیه مثلاً از نوع شتر قرار دهیم.

جواب: هرگاه جانی یکی از اعیان ششگانه را انتخاب نماید و حکم به پرداخت یکی از اعیان مذکور صادر شود، همان عین باید پرداخت شود. رجوع به قیمت آن فقط در صورت تراضی یا متعذر بودن تمام انواع ممکن است. و اگر عین منتخب متعذر باشد (مانند دینار) جانی باید نوع دیگری را انتخاب کند که تهیه آن ممکن باشد ولی اگر حکم به پرداخت قیمت صادر شده باشد مشمول بخشنامه شماره ۱۷۶/۱۴۸۵-۷۶/۲/۲۶ معاون اجرائی ریاست قوه قضائیه است که بر مبنای آن دیه براساس همان قیمت زمان صدور حکم است که بر ذمه جانی استقرار یافته و نوسانات بعدی بازار و رشد قیمت بعدی تأثیری در خصوص موارد ندارد.

شماره نظریه ۷/۹۵۳۶ ۱۳۷۷/۱۲/۱۷
سؤال: اگر شخصی به اتهام دو فقره چک بلامحل و وعده‌دار تحت تعقیب واقع شود و برای دادگاه وعده‌دار بودن چک با مبلغ بیشتر محرز شود نحوه اعمال مقررات تعدد و تعیین مجازات برای متهم چگونه است؟

جواب: موضوع سؤال مشمول رأی

سپس درباره همسال او (سبز) همین آزمایش را بعمل آورد و از این در آزمایش تفاوت جانی چشم ضعیف و سالم را نتیجه گرفت و از ضارت به اندازه تفاوت چشم سالم و غیرسالم یون گرفت و به مصروب داد.

۲- شخصی تکه‌ای از زبان دیگری را قطع کرد. همین جهت آن شخص نتوانست بعضی از حروف الفبا را تلفظ کند. از عمر دآوری خواستند او نتوانست دآوری کند. علی علیه السلام گفت: باید دیه تمام را بر ۲۸ حرف الفبا تقسیم کنند و چند حرف از بیست و هشت حرف الفبا را که نمی‌توانند تلفظ کند همان اندازه دیه از ضارت گرفته به مصروب میدهند.

چاره جویی

۱- شخصی نزد علی علیه السلام آمد و گفت قدری خرما جلوسیم بوده، رسم یکی از آنها را برداشت و در دهان انداخت و قسم یاد کرد که آن را نه فرو برد و نه بیفکند. اکنون چه کنم که سوگند خرد را بشکند؟ گفت: نصف خرما را بخورد و نیم دیگر را بیفکند.

۲- چند آهنگر دری آهنی خریدند بودند، فروشنده گفته بود وزنش فلانقدر است، آنان هم پندرفته و خریدند. چون آن را برداشتند و وزنش بنظرشان کمتر رسید، فروشنده آمده فر او خواستند تا بهایش را کمتر کنند او پذیرفت. نزد علی علیه السلام رفته، قصه را بیان گفتند. دستور داد ضرب را در روزی بهادند تا جایی که آب گردش را گرفت. سپس آن را درآوردند و به جایش خرما می‌سجیدند در زورقی ریختند تا آب به

وحدت رویه شماره ۶۰۸-۶/۲۷/۷۵
دیوان عالی کشور است که برطبق آن مجازات متهم باید طبق قسمت ۲ از ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی و براساس مجازات شدیدتر یعنی مجازات مقرر در ماده ۷ قانون صدور چک با لحاظ جزای نقدی تعیین شود.

شماره نظریه: ۷/۷۳۹۶ ۱۳۷۶/۱۰/۹
سؤال: آیا دولت از پرداخت خسارت احتمالی در قراردادهای تأمین خواسته معاف است یا خیر؟

جواب: در مورد معافیت دولت از پرداخت خسارت احتمالی موضوع بند ۳ ماده ۲۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی، نص قانونی وجود ندارد و لذا دولت هم باید خسارت احتمالی را بپردازد.

شماره نظریه: ۷/۸۳۵۸ ۱۳۷۷/۱۱/۶
سؤال: آیا میزان مجازات در ماده ۷۰۳ از قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۵ شامل سه نوع مجازات است یا دو مجازات و یا یک مجازات و نحوه اعمال مجازاتهای مندرج در ماده فوق چگونه است؟ و آیا حبس و شلاق یک مجازات و جزای نقدی یک مجازات است و یا هر یک از مجازاتهای سه گانه ممکن است باشد و یا سه یا دو مجازات هم می تواند باشد.

جواب: با توجه به اینکه قانونگذار در متن ماده ۷۰۳ از قانون مجازات اسلامی هر سه مجازات حبس، و جزای نقدی و شلاق را با حرف «و» به هم متصل و جمع نموده است و کلمه یا را به کار نبرده است قاضی می تواند هر سه مجازات را برای فعل واحد تعیین و مورد حکم قرار دهد و در قسمت اخیر از ماده مذکور با ذکر کلمه (یا) در جمله «یا یک یا دو مورد آنها محکوم

می شود.» به قاضی این اختیار را داده است که مرتکب را به یک یا دو یا سه مجازات معین شده توأم محکوم نماید. بدیهی است در ماده مذکور حبس، جزای نقدی و شلاق هر کدام یک مجازات جداگانه هستند.

شماره نظریه: ۷/۸۳۵۸ ۱۳۷۷/۱۱/۶
سؤال: اگر در پرونده ای شخص حقوقی یا اداره دولتی به اتهام بی احتیاطی و عدم رعایت نظامات دولتی محکوم به



پرداخت دیه شود و در انقضای مهلت دو سال اولیای دم تقاضای مطالبه دیه نمایند و شخص حقوقی یا اداره دولتی تقاضای اعمال ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت را درخواست نماید «بدین مضمون که اداره دولتی تا تأمین بودجه در سال آتی قادر به پرداخت دیه نمی باشد.» حال نحوه اجرای حکم دیه در چنین موردی چگونه است؟

جواب: دیه دین محض نیست هم خسارت است و هم مجازات... پس جنبه کیفری دارد و یک دین یا بدهی محض نیست که بتوان اداره دولتی یا شخصیت حقوقی را به پرداخت آن محکوم نمود و بایستی شخص حقیقی محاکمه گردد و نه

شخص حقوقی و از طرفی، اعمال تصدی هر شخصیت حقوقی را یک یا چند نفر اشخاص حقیقی به عهده دارند و به هر صورت مسئولی هست که اعمال مدیریت مربوط به یک اداره را به عهده دارد. مسئول فنی، مسئول اداری، و... هر که مسئولیتی به عهده داشته باشد در صورت وقوع جرم مسئولیت کیفری برگردن اوست که سبب واقعه شده و می باید محاکمه و محکوم و مجازات گردد. و چون مطالبه دیه یک دعوی مالی صرف نیست که بتوان اداره دولتی را به پرداخت آن محکوم نمود تا حسب ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت با آن رفتار گردد. هیچ موردی هم در قانون پیش بینی و احصاء نشده که مجازات شخص حقیقی را یک اداره دولتی عهده دار شود و بتوان دیه مذکور را از صندوق دولت پرداخت نمود. موارد پرداخت دیه از بیت المال در قانون مشخص است.

بنابر آنچه گفته شد در مورد سؤال، دیه یک محکومیت حقوقی محض نیست و لذا اداره دولتی نمی تواند محکوم علیه آن قرار گیرد و بایستی فرد مسئول یا فرد حقیقی که مرتکب جرم شده محاکمه و مجازات و به فرض احراز گناهکاری به پرداخت دیه محکوم شود.

شماره نظریه: ۷/۸۳۵۸ ۱۳۷۷/۱۱/۶
سؤال: در بزه چک بلامحل در صورتی که شاکی بعد از صدور حکم و قبل از مهلت قطعیت آن حکم گذشت نماید چه صورتی پیش خواهد آمد؟ و مرجع رسیدگی دادگاه بدوی است یا تجدیدنظر یا قاضی اجرای احکام؟

جواب: در صورتی که شاکی درخصوص بزه صدور چک بلامحل بعد

از صدور حکم بدوی و قبل از قطعیت حکم و بقاء مهلت تجدیدنظر اعلام گذشت نماید. بایستی اعلام رضایت شاکی توأم با درخواست تجدیدنظر محکوم علیه به دادگاه تجدیدنظر ارسال شود که مرجع اخیرالذکر ضمن انطباق مورد با ماده ۱۲ قانون صدور چک بلامحل و فسخ دادنامه تجدیدنظر خواسته قرار موقوفی تعقیب صادر می کند. بنابراین مرجع صالح در ماده مذکور در خصوص موضوع یادشده دادگاه تجدیدنظر است نه دادگاه بدوی و نه قاضی اجرای احکام مگر اینکه حکم صادره غیابی و قابل واخواهی بوده و مدت واخواهی باقی باشد که در این صورت با واخواهی محکوم علیه غائب همان دادگاه بدوی صالح به رسیدگی خواهد بود.

شماره نظریه ۷/۸۳۵۸ ۱۳۷۷/۱۱/۶

سؤال: دعاوی خلع ید و تسلیط و تصرف عدوانی چه وجوه افتراق و اشتراکی با یکدیگر دارند؟

جواب: الف: دعوی تسلیط به ظاهر عکس دعوی خلع ید است. ولی چون تسلیط به خواهان مستلزم خلع ید از شخص یا اشخاص است که به جای آنان وضع ید خواهان صورت می گیرد لذا نتیجه تسلیط ید همان خلع ید است.

ب: مقایسه بین خلع ید و تصرف عدوانی که دو مقوله جدا از هم هستند مبنی بر اشتباه است و باید خلع ید را با رفع تصرف ... و تصرف عدوانی را با غصب مقایسه نموده چرا که خلع ید و رفع تصرف از آثار تصرف عدوانی و غصب ناشی می شود و تصرف عدوانی عملی است که جرم می باشد و خلع ید فعلی است که قانون در مقام رفع اثر از آن به عمل

می آورد. اینکه قانونگذار در تبصره ۱۲ از ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی کلمه خلع ید را در قبال تصرف عدوانی به کار برده است به نظر می رسد مسامحه باشد. در عرف قضائی تصرف عدوانی در ظرف زمانی کوتاهتری نسبت به غصب به کار می رود و اگر مدت تصرف عدوانی و استیلا به قهر و غلبه طولانی شود. عنوان غصب می یابد و باید خواهان تقاضای خلع ید کند.

ج: چون حسب مواد ۵۸۱ و ۵۸۲ از قانون مدنی هیچ یک از شرکاء بدون اجازه سایر شرکاء حق دخل و تصرف در مال مشترک را ندارند. بنابراین چنانچه احد از شرکاء بدون اجازه شریک دیگر در قسمتی از ملک مشاعی تصرف عدوانی به عمل آورد. هریک از شرکاء حق دارد درخواست خلع ید ایشان را بنماید. البته در صورت خلع ید از متصرف تحویل ملک به هریک از شرکاء موکول به موافقت تمامی شرکاء می باشد. بنابراین تسلیط ید به هریک از شرکاء مشروط به موافقت سایرین می باشد که پس از خلع ید موافقت همه شرکاء تحقق می یابد.

د: تسلیط به معنی چیره گردانیدن فرد بر ملک و یا حقوق وی می باشد و اینکه حسب قاعده فقهی «الناس مسلطون علی اموالهم و...» تسلیط بر دو نوع است. تسلیط یدی که مبتای تملیکی داشته باشد. مثل بیع... تسلیط یدی که بر مبنای منافع باشد که بدون تملیک تحقق یابد. مثل اجاره، رهن و... با توجه به اینکه تسلیط ید فقط در باب عین مقرر است لذا در تصرف قرارداد مالی پس از خلع ید به مالک آن عرفاً همان تسلیط ید تلقی می شود.

نشانه رسید و بدینوسیله وزن واقعی دراب معلوم گردید.

بازنایی

از علی رضی الله عنه می گفت: دو چیز باعث ایمنی از عذاب خداست. یکی را خدا از دست مردم گرفت و آن خود پیغمبر صلی الله علیه و آله و آن دگر باقیست که نباید آن را از دست داد و آن استغفار است. چنانچه خدا در قرآن فرمود: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»

«و خدا مردم را عذاب نخواهد کرد تا وقتی که تو (پیغمبر) در میان ایشان باشی و همچنین تا وقتی که استغفار می کنی.»

۲- علی رضی الله عنه به یکی از اصحاب خود که بیمار شده بود گفت: خدا این بیماری را سبب ریختن گناهانت قرار میدهد ولی باعث پاداشی نمی شود زیرا پاداش در برابر عملی است که به زبان گفته و به دست و پا انجام شود.

«و خدا درستکاران را کفیل خیراندیش را به بهشت خواهد برد.»

۳- مسردی وصیت کرده پس از مرگش بندگان قدیمی او را آزاد کنند.

هنگامی که در گذشت باز ماندگانش معنی قدیم را ندانستند از علی رضی الله عنه پرسیدند.

علی رضی الله عنه گفت: هر بنده ای که ششماه در مالک او بوده است آزادش کنید و باین آیه استشهاد نمود: «والقمر قدرناه منازل حتی عاد کالعرجون القديم». برای ماه مترلهایی تقدیر کردیم تا مانند عرجون قدیم بناز گردید.